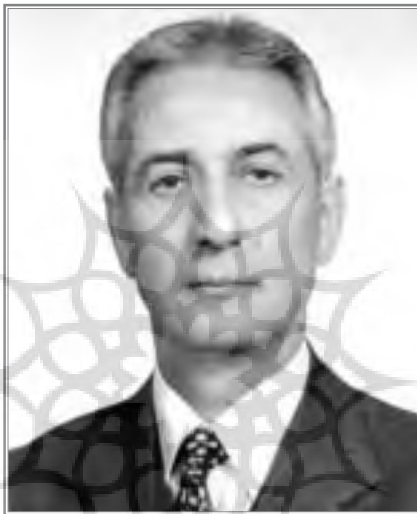


دولت نهم قوانین اقتصادی و دیپلماسی را باور کند

نگاه دکتر بهروز اخلاقی، دانشیار دانشگاه تهران، وکیل دادگستری و عضو هیأت تحریریه ماهنامه «اقتصاد ایران»

شده و باب صرافانی و دلالی را توسعه داده است. این عامل به اضافه عوامل دیگر، تجدید نظر اساسی دولت را هم از منظر دیپلماسی و هم از دیدگاه اقتصادی، مطرح می‌سازد. از منظر دیپلماسی، ایران باید علل و انگیزه‌های انزوای خود را در صحنه جهانی بررسی و در مقام رفع آنها برآید و جایگاه شایسته خود را فراخور موقعیت تاریخی، جغرافیایی و فرهنگی خود بازسازی نماید. موضع‌گیری‌های برخی از کارگزاران نظام در قبال برخی از موضوعات ملی و جهانی و راهکارهای برون‌رفت از بن بست‌های سیاسی و اقتصادی، به گونه‌ای است که مخالفت‌های همگانی را به بار آورده، گویی دشمنی با ایران در هر نشست و جلسه جهانی به نقطه مشترک اغلب برگزارکنندگان آن تبدیل شده در باره محکومیت کشورمان، کم و بیش اتفاق نظر شکل می‌گیرد.

ایران و ایرانیان شایسته احترامند و این شایستگی را اول باید متولیان امر باور نمایند و به آن عمل کنند. نگارنده، به عنوان یک هم وطن که دل در گروی پیشرفت کشور و آرزوی خروج از انزوای سیاسی و اقتصادی و کسب اعتبار و حیثیت کشور و ملت خود را دارد، در ارتباط با علت یا علل این آشفتگی عظیم اقتصادی، به این نتیجه ساده، روشن و بدیهی دست یافته است که دولت یا با قواعد دیپلماسی و قوانین



اقتصادی مأنوس نیست و یا آن که به آنها باور ندارد.

پذیرش قواعد دیپلماسی و قوانین اقتصادی

امروزه، قواعد دیپلماسی و قوانین خدشه‌ناپذیر اقتصادی، سرلوحه برنامه‌های همه کشورها است و دولت‌ها با پذیرش این قواعد و قوانین و با عنایت به متغیرهای گوناگون که در هم اثر می‌گذارند، هر یک به گونه‌ای برای افزایش رفاه اجتماعی راه چاره‌ای را جست‌وجو و بهبود وضعیت اقتصادی خود را سامان بخشیده، روابط خود را در سطح جهانی توسعه می‌دهند.

گذشته از کشورهای سرمایه‌داری اروپا و آمریکا، ژاپن، کره جنوبی، مالزی و سنگاپور در جنوب شرقی آسیا و کشورهای حاشیه خلیج فارس مثل امارات عربی متحد، بحرین و قطر، می‌توان نمونه‌هایی را برای این مدعا شاهد آورد و درخور وضعیت جغرافیایی، سیاسی، اجتماعی فرهنگی کشورمان، راه چاره یافت. جا دارد دولت، این مهم را فراروی خود قرار داده و هیأتی از کارشناسان و اقتصاددانان دلسوز کشور را در شورایی گرد هم آورد تا با تعامل و همدلی بتوانند با پی‌ریزی شالوده یک برنامه منسجم، ساختار اقتصادی کشور را طراحی و کشور را از انواع تحریم‌ها، انزوای روز افزون، آشفتگی و سردرگمی فزاینده بیرون آورند؛ و با شناسایی و تعبیه سازوکار مدرن و مشخص، راه چاره مبارزه با رکود اقتصادی، پدیده تورم، حل معضل بیکاری جوانان و به حرکت درآوردن چرخ‌های اقتصادی کشور را ارایه نمایند و دولت با اعتقاد به این قواعد و قوانین و سازوکارهای مدون و مشخص، در مقام اجرای شایسته آنها برآید. انشاء الله.

در ماه‌های نخستین فعالیت دولت نهم، کارشناسان و از جمله، گروهی از اقتصاددانان کشور، هشدار داده بودند که سیاست‌های دستوری دولت تحت عناوین عدالت محوری و مهروری، با اعلام کاهش نرخ سود بانکی و ادعای تلاش در تنظیم و کنترل بازار پول و سرمایه و اعطای تسهیلات گوناگون به اقشار آسیب‌پذیر و... نتایج نامطلوبی به دنبال خواهد داشت؛ از جمله این که حجم نقدینگی و رشد نرخ تورم و میزان بیکاری جوانان را افزایش داده، بازار کسب‌وکار را مختل کرده و هرج و مرج اقتصادی را دامن می‌زند. در آن مقطع زمانی، این اقتصاددانان منتقد و دلسوز، مورد سرزنش قرار گرفته، به چوب لای چرخ دولت قرار دادن متهم شدند. اما عملکرد دو سه ساله اخیر دولت، درستی هشدارها را به اثبات رساند و نشان داد که سیاست‌های اقتصادی دولت، نه تنها از میزان فقرزدایی نکاسته و افزایش رفاه همگانی را فراهم نیاورده، بلکه با رشد سریع و بی‌سابقه تورم، قدرت خرید گروه‌های مختلف اجتماعی را به شدت کاهش داده است. از تاریخ وقوع انقلاب اسلامی تاکنون، کمتر موقعی بوده است که کشور با چنین نرخ تورمی روبه‌رو باشد و بیکاری، چنین وضعیتی را تجربه نکرده و واحدهای تولیدی در معرض چنین رکودی قرار نگرفته‌اند. واقع مطلب این است که وضعیت کنونی

چنان روند شتابزده و نگران‌کننده‌ای یافته است که همگان به گونه‌ای این سؤال را مطرح می‌کنند، «علت و یا علل این سردرگمی اقتصادی چیست و راه چاره کدام است؟» واقعیت این که، اقتصاد ایران، بازار سرمایه و بخش خصوصی آن، از توانمندی‌ها و قابلیت‌های بالقوه چشمگیری برخوردارند و می‌توانند فاصله عقب افتادگی خود را از قافله رقبای همسایه دور و نزدیکشان کم نمایند. ولی با کمال تأسف، کشور ما، از رهگذر دیپلماسی کم‌بینه از یکسو و فقدان یک سیاست اقتصادی روشن و شفاف از سوی دیگر، بحران تازه‌ای را تجربه می‌کند و از اهداف اصلی خود که باز یافتن جایگاه شایسته خود در عرصه روابط بین‌المللی و عضویت کامل در سازمان تجارت جهانی می‌باشد، به دور مانده است. امروزه، بازارهای کشورهای عضو سازمان جهانی تجارت، با پذیرش الگوی اقتصاد رقابتی و بازار آزاد، در فرآیند جهانی شدن از طریق شرکت‌های خارجی، به هم پیوند خورده‌اند و ۱۴۵ کشور که بیش از ۹۰ درصد تجارت جهانی را در دست دارند و حدوداً ۳۰ کشور دیگر که در انتظار عضویت در این سازمان هستند، با هم، امتیازاتی را رد و بدل می‌کنند و این روند رو به رشد هر روزه روابط اقتصادی و تجاری کشورهایی مانند ایران را سخت‌تر می‌کند.

دولت ما یا تحریم‌ها را جدی نگرفته و یا بر این باور است که این گونه تحریم‌ها اثری در اقتصاد و تجارت کشور ندارند؛ در حالی که هم باید آن را جدی گرفت و هم نباید از آثار سوء و پایدار آن در اقتصاد و تجارت کشور غافل ماند. تحریم بانک‌های خارجی، مبادله و خدمات و مبادله پول کشور را سخت به مخاطره انداخته است و با کمال تأسف، دامنه آن هر روز گستره‌تر می‌شود. صحبت از مبادله میلیون‌ها دلار و یورو در ازای ارزش کالا و خدمات نیست، نقل و انتقال چند دلار و یورو از بابت حق اشتراک یک مجله هم، با مشکلاتی همراه